[125] گرداند، آنچه نامش بشمارش در نيايد، وشكرش ادا نشود، ووصف وقولى به أو نرسد. وما در راه خداوند براى شما غضبناك شديم، چرا كه خداوند بر ما منت نهاد آنگونه كه أو سزاوار آنست، تا نعمتها وعطاها وبخششهايش را شكر گذاريم، سخنى كه در آن رضا وخشنودى به سوى خداوند بالا رود، وصداقت وراستى در آن نمودار باشد، تا گفتارمان را تأييد گرداند، وسزاوار موارد افزونترى از خداوند باشيم، سخنى كه زياد گردد ونابود نشود. هر اجتماعي كه با هدفي واحد فراهم آمدند، نيرو يافته وپيمانشان استوار شد، پس آماده جنگ با معاويه وسپاهيانش شويد كه بسوى شما آمده است، وبخوارى نگرائيد كه ذلت وبندهاى دنيا را مى گسلد، واقدام بر جنگ موجب بزرگوارى وبر كنارى از شكست وذلت است، چرا كه هر گروهى از پذيرش خوارى امتناع ورزيدند خداوند دردها وناكاميشان را برمى دارد، واز خوارى بدورشان مى سازد، وبه حقيقت رهنمونشان مى گرداند. وآنگاه اين شعر را خواند: از صلح آنچه را مى خواهى مى توانى گرفت، ولى از نفسهاى جنگ بيش از يك جرعه را نتوان نوشيد. _____